

ارزیابی نمایندگان و کارشناسان صاحب نظر از عملکرد برنامه اول و پیش نیازهای ضروری در برنامه دوم

## ■ لایحه برنامه دوم؛ آیا «پیش نیازها» فراهم است؟

با نظراتی از:

- \* حجت الاسلام والمسلمین علی موحدی ساوجی، رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور
- \* آقای محمد نبوتی، نماینده مردم ساوه و عضو کمیسیون دیوان محاسبات
- \* آقای رضا عبداللهی، نماینده مردم ماه‌نشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه
- \* آقای عبد خضر کامرانی، معاون طرح و برنامه وزارت پست و تلگراف و تلفن
- \* آقای صادق افشار، معاون وزیر راه و ترابری
- \* آقای بیژن لطیف، مدیرکل دفتر تحقیقات وزارت امور اقتصادی و دارایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

اشاره:

برنامه دوم، اینک لایحه مدونی است که در اختیار نمایندگان ملت و در دسترس آحاد مردم قرار گرفته است. دستگاه برنامه‌ریزی رسمی کشور، اینک ره‌آورد کوششهای طولانی و مفصل خود را در کسوت این لایحه به خانه ملت عرضه می‌دارد. با این همه، کوششها را نبایستی خاتمه یافته تلقی کرد. یک برنامه موفق از مدلهای مطلوب تا سهم کاربرد تجارب برنامه پیش از خود و بسترهای اطلاعاتی و انفورماتیکی، تأثیر و نقش می‌پذیرد. بنابراین گمانه‌زنی پیرامون اینکه این لایحه در کدام زوایا نیازمند «پرداخت» و «صیقل» بیشتر است و برآورد دقیق‌تر از «آینده‌ای که برنامه دوم خواهد ساخت»، همچنان نیازمند مطالعه حول مقولات محوری یک برنامه مطلوب است.

در ادامه بحثهای شماره‌های پیش، آخرین بخش نظریات شماری از نمایندگان ملت و کارشناسان آگاه و دست‌اندرکار از نظر گرامی‌تان می‌گذرد:

□ اصول و ویژگیهای حاکم بر یک برنامه خوب، کدام است؟ آیا نظام برنامه‌ریزی موجود می‌تواند جوابگوی شرایط ویژه کنونی باشد؟

یک برنامه خوب کدام است؟ باید بگویم که نظام برنامه‌ریزی ما بر اساس دو محور تحقق پیدا کرده است: یکی قوانین و مقررات مربوط به برنامه و بودجه است که ممکن است از قبل از انقلاب باقی مانده باشد، شاید خیلی از آنها نیز قوانین صحیحی باشد، اما یک نقصی وجود دارد و آن این که بعد از انقلاب این قوانین و مقررات مربوط به برنامه و بودجه، مورد بررسی، ارزیابی و تجدید نظر قرار نگرفته‌اند. اگر دولت و مجلس، قانون برنامه و بودجه مربوط به قبل از انقلاب را دقیقاً بررسی می‌کردند، چه بسا لازم بود در مواردی اصلاح بشود و به این شکلی که در حال حاضر هست، نباشد. بنابراین، در ارتباط با نظام برنامه‌ریزی حتماً به یک بررسی و تغییر و تحول نیاز است تا نظام برنامه‌ریزی ما با شرایط انقلاب و شرایط موجود متناسب باشد.

آقای محمد نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات: برنامه‌ریزان نظام باید در ابتدا ببینند چه منابعی را می‌توانند در اختیار داشته باشند و یا دسترسی به چه منابعی سریع است؟ و سپس براساس آن منابع،

آقای علی موحدی ساوجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور: باید بگویم اصولی که برای تهیه یک برنامه خوب باید مورد توجه قرار بگیرد چند چیز است که مهمترین آنها، داشتن اطلاعات صحیح از شرایط، امکانات و تواناییهای کشور است.

مسئله دوم، داشتن هدفهایی مشخص است، هدفهایی که ضمن جهت‌گیری در راستای آرمانها و اهداف کلی قانون اساسی و انقلاب اسلامی، قابل تامین و دسترسی باشد و طی برنامه بتوان به این هدفها رسید. اصل سومی که باید رعایت شود، تهیه برنامه‌ای است که از لحاظ روشهای اجرایی بتواند ما را به آن هدفها برساند.

به نظر من این سه اصل مهم است و به هر میزانی که این سه اصل به طور صحیح و دقیق مورد توجه قرار بگیرد و رعایت شود، به همان میزان برنامه نیز می‌تواند برنامه خوبی باشد. گذشته از آن برنامه نباید در عین مطلوب بودن ایده‌آلی و غیر قابل دسترسی باشد.

اگر ما نتوانیم طی یک برنامه به ۳۰٪، ۴۰٪ یا ۵۰٪ هدفمان برسیم، معلوم می‌شود برنامه، ضعیف و غیر واقعی بوده است.

اما درباره بخش دوم سؤال که ویژگیهای

برنامه‌ای مدون و حساب شده داشته باشیم. نمونه جزئی آن را در برنامه ۵ ساله اول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌بینیم. هر چند انتقاداتی نیز ممکن است بر برنامه‌ریزان ۵ ساله اول وارد باشد، ولی همین داشتن برنامه خود به اصلاح برنامه کمک می‌کند. بنابراین، برنامه خوب برنامه‌ای است که ما بتوانیم از منابع موجود بهترین استفاده را برای رسیدن به مقاصد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و... داشته باشیم.

درباره وضع موجود نظام برنامه‌ریزی نیز باید بگویم که یک بررسی و تغییر و تحول زیربنایی در این زمینه نیاز است تا نظام برنامه‌ریزی ما متناسب با روند انقلاب و شرایط موجود گردد.

مسئله دوم، برنامه‌ریزان هستند، که علاوه بر افکار و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های فردی از تجربه، دانش و تخصص برنامه‌ریزی برخوردار باشند. به طوری که وقتی می‌خواهند برنامه‌ای را برای کشور تدوین کنند، متناسب با اصولی باشد که ذکر گردید. البته ممکن است در برنامه موجود هر چند اشکالاتی وجود داشته باشد، اما یقیناً اداره کشور با چنین برنامه‌ای بهتر از اداره کشور بدون برنامه است.

آقای رضا عبدالهی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: اصول حاکم بر یک برنامه خوب عبارت است از رعایت منطق صحیح در طراحی و تدوین برنامه و مهمترین اصل در آن، سپردن این کار به دست افراد کاردان و صاحب نظر و با ایمان است. برنامه خوب

برنامه‌ریزی کنند. برای مثال، در کشور پهناوری مثل جمهوری اسلامی ایران، هر چند ما در حال حاضر فقط به یک منبع درآمد توجه داریم و آن هم نفت است ولی آنچه را که می‌توان اذعان کرد، این است که ما منابع فراوان دیگری نیز در کنار این محصول در اختیار داریم که متأسفانه به آنها توجه کافی نشده است. بنابراین، یکی از اصول، آشنایی کامل برنامه‌ریزان با منابع

برنامه‌ریزی هم باید بر این مبنا باشد که از این منابع شناسایی شده استفاده بهینه گردد. بنابراین، برنامه‌ریزان کشور باید برای استفاده بهینه از منابع موجود برنامه‌ریزی کنند.

متأسفانه نظام برنامه‌ریزی موجود ما فقط به دنبال نیازهای فعلی جامعه است. در حال حاضر می‌بینیم که دولت بر نیازها تکیه می‌کند و آنها را به صورت یک برنامه یکساله تحت عنوان بودجه به مجلس ارائه می‌دهد و مجلس نیز بر مبنای نیازهای فوری آن برنامه‌ها را - در همان قالب تصویب - می‌کند. اگر بخواهیم آینده واقعاً روشن و مبرهنی داشته باشیم و بدانیم که در ۲۰ یا در ۱۰ سال آینده از نظر اقتصادی در چه موقعیتی قرار خواهیم گرفت، قطعاً باید

میلیارد ریال در سال ۶۸ فقط به ۱۴۲/۳ میلیارد ریال در سال ۷۲ افزایش می‌یابد؛ یعنی ۴۴ درصد افزایش، همراه با ۱۴ درصد کاهش اعتبارات عملی نیست و نشان می‌دهد که بخشی از آن برنامه برای دلخوشی و نمایش روی کاغذ آورده شده. از ویژگیهای دیگر یک برنامه خوب شناخت و توجه لازم به اولویتهای برنامه در چهارچوب امکانات و تواناییهاست. باتوجه به این که نیروی انسانی کارآمد شرط لازم توسعه و قلب پنبنده پیکر در «توسعه و ترقی» است، توجه کافی به بخشهای آموزش و پرورش و آموزش عالی و تحقیقات و آموزش فنی و حرفه‌ای و تکیه بر خلاقیت انسانها در ابعاد گوناگون از نقاط قوت یک برنامه مناسب است. در صورتی که با اندکی دقت در می‌یابیم که ما در نهایت وارد کننده محصولات فکری کشورهای پیشرفته - به صورت کالا و خدمات - با قیمتهای گزاف هستیم. و امروزه تعهدات ما بابت جبران عقب ماندگی علمی و تکنولوژیکی کشور است که محور آن انسانهای دانشمند هستند. تا وقتی که بنگاهداران دولتی بدون توجه به عامل مهم نیروی انسانی متفکر و متعهد به دنبال مسابقه در بازیهای کودکانه‌اند، با صرف ارز و ریال به جایی نخواهیم رسید. این که اولویت تربیت نیروی انسانی کارآمد و استفاده از نیروی کاردان تا چه حد رعایت خواهد شد، موضوعی است قابل تأمل و در

باید مبتنی بر واقعیاتی باشد که قابلیت اجرایی دارند و همچنین باید با اعتبارات ریالی و ارزی و ظرفیت کالایی، نیروی انسانی، امور زیربنایی و... سازگاری داشته باشد. باید توجه داشته باشیم به هر میزان که از توان حقیقی در تنظیم برنامه فاصله بگیریم به همان اندازه برنامه را غیر عملی و ناموفق می‌کنیم.

مهمترین ویژگی در این رابطه، شناخت توانایی و قدرت انجام کار در طول برنامه بر اساس اولویتهای و بر پایه همکاری و هماهنگی بین بخشهاست. به عنوان مثال در برنامه پنجساله اول قرار شد که تعداد دانشجویان کشور از حدود ۲۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۴۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یابد (۶۳ درصد رشد کمی) طی این پنج سال مقرر شده است که نسبت دانشجوی به استاد از ۲۱ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱۵ نفر در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد؛ (یعنی حدود ۲۹ درصد ارتقای کیفی). در همین دوره تعداد استادان از ۹۵۰۰ نفر به ۱۷۳۰۰ نفر افزایش پیدا کند (یعنی ۸۲ درصد افزایش کمی) همچنین، در این دوره ترکیب دانشجویی از نظر سازگاری اصلاح شود به وضعیت زندگی استادان رسیدگی شود و سیاست ارتقای کیفیت از هر نظر دنبال گردد. بسیار روشن است که آنچه نوشته می‌شود، چون با واقعیات همراه نیست قابل اجرا نمی‌باشد؛ برای این که اعتبارات دولتی جاری بخش به قیمتهای جاری از ۹۸/۷

با هر مقدار و هر کیفیت و با هر مدت خیلی وقت است که سپری شده است؛ وزیران و مدیران قوی و ضعیف باید در این قالب شناسایی و مورد تشویق یا توبیخ قرار گیرند. مثلاً وزارت نیرو اگر برق تولید و توزیع می‌کند قیمت تمام شده آن با در نظر گرفتن مجموعه عوامل باید دقیق محاسبه و تولید و توزیع آن با رعایت قیمت تعیین شده به وزارت نیرو ابلاغ شود؛ حالا اگر وزیر نیرو در مدت معین توانست میزان برق مورد نظر با استاندارد مشخص را تولید و توزیع کند، وزیر موفق است و باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرد، در غیر این صورت - اگر دوست بنده و دیگری هم بود - باید با اعتقاد به منافع ملی و مصلحت کشور جای خود را به فرد قوی و توانمندتری بسپارد.

آقای عبدحضر کامرانی، معاون طرح و برنامه وزارت پست و تلگراف و تلفن اصول حاکم بر ویژگیهای حاکم بر یک برنامه خوب عبارتند از:

- ۱- آرمان مندی، قابلیت فهم، سیستماتیک بودن و نگرش مجموعه‌ای داشتن برنامه.
- ۲- ثبات و استقرار برنامه.
- ۳- جامع و مانع بودن برنامه و قانونمندی آن.
- ۴- ارائه تعریف صحیح و دقیق از مأموریت و تدوین اهداف سازمان.
- ۵- مشخص کردن خطوط اصلی و استراتژی برنامه و سیاستهایی از قبیل نحوه تأمین، مصرف و تقسیم منابع مالی و انسانی.
- ۶- داشتن پایگاههای اطلاعاتی صحیح و

هاله‌ای از ابهام قرار دارد که تا چه حد از سوی دولتمردان که برای بخشهای خود سخت با هم در رقابتند، رعایت خواهد شد. در شرایطی که منابع بسیار محدود است، خوب اندیشیدن به تخصیص منابع یک هنر است. منافع ملی ما ایجاب می‌کند که برای رسیدن به آن شرایط پرداختن به اولویتها با کمک و همکاری همه بخشها باید فراهم شود هر چند بسیاری از بخشها در طول دو سه برنامه پنجساله با خویشتنداری باید در نوبت بمانند.

نظام برنامه‌ریزی موجود اگر به واقعیتها و امکانات موجود توجه کنند و مزاحمتها از طرف کشندگان امکانات و اعتبارات در دولت و مجلس به سوی بخشها و مناطق دلخواه کاهش یابد و امکان تنظیم و تدوین برنامه بدون هرگونه جوسازی و اعمال فشار به صاحب نظران و آگاهان فنی داده شود، شرایط برنامه‌ریزی مناسب برقرار خواهد شد.

به اعتقاد من در برنامه پنجساله دوم مجلس باید قیمت تمام شده محصولات یا خدمات کلیه دستگاهها را با دقت لازم محاسبه و کمیت و کیفیت و زمان تحویل کالا یا ارائه خدمت را دقیقاً مشخص و تعریف نماید. زمان مدیریت با هر قیمت و

آقای موحدی ساوجی، رئیس کمیسیون شوراها: \* اگر نتوانیم به ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ درصد اهداف در برنامه برسیم، دلیل بر ضعف و غیر واقعی بودن آن است.

بازوهای متعدد وابسته (در زمینه‌های آمار، اطلاعات و مطالعات) به تجزیه و تحلیل داده‌های مختلف و انجام مطالعات پژوهشی جهت شرایط محیطی، نقاط قوت و ضعف، مشکلات و تنگناهای عمده پردازد. سپس بر اساس آنها یک مدل کلان را طراحی و اهداف راهبردی و سیاستهای کلیدی برنامه بلند مدت را تعیین کند. متأسفانه به نظر می‌رسد در حال حاضر کشور فاقد این سازمان و نهادهای وابسته به آن جهت برنامه‌ریزی بلند مدت است.

دقیق از هدفهای سازمانی و ارائه مدل و الگوی مناسب در داخل و خارج سازمان. ۷- داشتن سیستمهای نظارت و کنترل صحیح بر روند اجرای برنامه.

نظام موجود برنامه‌ریزی با داشتن سیستمهای کنترل اجرایی قوی به منظور اعمال قدرت در جهت کنترل دقیق منابع و هزینه، خواهد توانست جوابگوی شرایط ویژه کنونی باشد.

آقای بیژن لطیف مدیر کل دفتر تحقیقات وزارت امور اقتصادی و دارایی: برنامه، توصیف حالت یا تحولی در آینده است که قصد حاکمیت را بیان می‌کند و باید اضافه کرد که در یک برنامه کامل، هم نتایج مطلوب (به صورت توصیف یا تحول) و هم مراحل اجرای آن باید به طور کامل تشریح شود.

از ویژگیهای یک برنامه خوب میان مدت، زیر مجموعه بودن آن در یک برنامه بلند مدت است. اما قبل از تدوین یک برنامه بلندمدت، ضرورت دارد در ابتدا توسط نخبگان کشور فلسفه برنامه‌ریزی کاملاً تعیین و سازمان مسئول تدوین برنامه بلندمدت، تأسیس شود و همزمان با آن حدود وظایف و اختیارات آن مشخص گردد. این سازمان که احتمالاً یک نهاد مطالعاتی - برنامه‌ریزی مشترک بین سه قوه و متشکل از ورزیده‌ترین کارشناسان و مدیران اجرایی رده عالی خواهد بود، موظف می‌گردد در چارچوب تئوریهای فلسفه برنامه (کلی) از طریق عوامل و

بنابراین، از تعریف بالا، اصول حاکم بر یک برنامه کامل را می‌توان به شرح زیر استنتاج کرد:

۱- شناسایی وضع موجود: تشخیص وضع موجود و تجزیه و تحلیل آن برای برنامه‌ریزی حائز اهمیت است. ارزیابی وضع موجود از آنجا مفید است که در ارتباط با وضع مطلوب مطرح شده است و می‌توان آن را به صورت تفاضل جبری تغییرات موردنظر، مشخص کرد.

بنابراین، باید برنامه در خود عامل زمان را مدنظر داشته باشد. در برنامه‌ریزی مربوط به پدیده‌های اجتماعی ثابت شده است که ملاحظه و تغییراتی که در فواصل زمانی معین صورت می‌گیرد، حائز اهمیت فراوان است.

ه- هدفها ممکن است باتوجه به تأثیر کاربرد ابزار و وسایل، تغییر کنند؛ ابزارهای جدید ممکن است در دسترس قرار گرفته یا کنار گذاشته شوند، به همین طریق در مراحل آتی قابلیت دسترسی به وسایل ممکن است به تثبیت هدفهای بالاتر یا ترک پاره‌ای از آنها منجر شود. بنابراین، برنامه باید برآوردی از تغییرات در ابزار مورد نیاز برای اجرای سیاست اتخاذ شده به گونه‌ای که دستیابی به هدفها را ممکن سازد، داشته باشد و این پویایی از مهمترین ویژگیهای یک برنامه است.

نظام برنامه‌ریزی موجود در شناسایی وضع موجود و مشخص کردن هدفها، نسبتاً موفق بوده است؛ اما در زمینه انتخاب وسایل و ابزارها جهت رسیدن به اهداف دچار مشکل شده است. این مشکل تا حدودی به چارچوب و ساختار اقتصادی

۲- مشخص کردن هدفها: برنامه‌ریزی به عنوان پیش‌بینی آینده، بر تعدادی از هدفها استوار است؛ این هدفها باید مشخص شوند تا فرآیند برنامه‌ریزی تحقق یابد. مشخص کردن هدفها، شامل تعیین خصوصیات وضع مطلوب در مقابل وضع موجود است. ۳- تعیین ابزار لازم جهت نیل به اهداف برنامه: برای تحقق هدفها، باید وسایل مناسب با آن هدفها موجود و قابل دسترس باشد.

۴- چگونگی بکار بردن ابزار مورد لزوم: هنگام تنظیم برنامه باید نحوه کاربرد این وسایل مدنظر قرار گیرد.

ویژگیهای یک برنامه کامل را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف- اجزای یک برنامه باید با یکدیگر هماهنگی کامل داشته باشند.

ب- باید در برنامه، ابزار مورد استفاده طراحی شده و هدفهای مورد نظر هماهنگ باشند.

ج- هر عبارت برای آینده باید بر اساس فرضیه‌هایی بنا شده باشد؛ در یک برنامه کامل، این فرضیه‌ها باید بر اساس ارزیابی آنچه محتمل است، انتخاب شده باشند.

د- وضع مطلوب مربوط به آینده است؛

آقای لطیف، مدیرکل دفتر تحقیقات وزارت امور اقتصادی و دارایی:  
\* نظام برنامه‌ریزی در زمینه انتخاب وسایل و ابزارها جهت رسیدن به اهداف، دچار مشکل شده است.



نظام، برنامه ریزی متمرکز انجام می شود که بخشی از فعالیتهای اقتصادی آن خصوصی و بخشی به صورت دولتی و عمومی اداره می شود.

سیاسی و فرهنگی کشور باز می گردد به طوری که بعضی از ابزارها را از کنترل برنامه ریزان خارج ساخته است. بخش دیگری از مشکل، ناشی از نظام خاص برنامه ریزی در ایران است؛ در این

□ باتوجه به نخستین تجربه برنامه ۵ ساله در جمهوری اسلامی ایران چه شیوه و روشهایی را می توانیم انتخاب کنیم که در برنامه دوم از آنها حداکثر بهره برداری صورت بگیرد؟

نسبت به برنامه اول کاملتر ارائه کنند. این مسأله آنقدر مهم است که حتی مجلس شورای اسلامی می تواند در مدت رسیدگی به برنامه دوم، سایر موضوعات دستور کار را برای مدتی متوقف کند. این خیلی مهم است و حتی لازم است، موقعی که برنامه دوم مطرح می شود، کمیسیونها در هفته ۵ نوبت جلسه داشته باشند و هرگاه که در دستور کار مجلس قرار گرفت اگر لازم شد مجلس هم به جای ۳ روز، در هفته ۵ روز جلسه علنی بگذارد.

آقای نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات: برنامه ۵ ساله اول برای تصمیم گیران بخش اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران، تجربه بسیار خوبی است. قطعاً در برنامه اول مواردی داشتیم که به طور کامل به آنها نرسیدیم و لازم است که

آقای موحدی ساوجی: در حال حاضر به نظر من مرجعی که باید در برنامه دوم بیشتر بررسی کند و اشکالات آن را بر طرف کند، مجلس شورای اسلامی است و در این راستا در درجه اول کمیسیون برنامه و بودجه باید به این مسؤلیت سنگین توجه دقیق داشته باشد. و مسائل مربوط به هر بخش را برای بررسی به کمیسیون خاص آن بدهد و سپس تمام این نقطه نظرات در کمیسیون برنامه و بودجه جمع شود.

من عقیده ام بر این است که باید در برنامه دوم اشکالات و ضعفهای برنامه اول را ارزیابی کنیم و عوامل و دلایل آن را شناسایی کرده و موانع را بر طرف سازیم. به عنوان مثال کمیسیون برنامه و بودجه و نمایندگان مجلس باتوجه به اطلاعاتی که دارند، باید تلاش کنند تا نقصها و ضعفهای برنامه اول را بر طرف کنند و برنامه دوم را



دهد، به بخش خصوصی بدهند و دولت اقتصاد کلان مملکت و نیازهای اقتصادی را تدوین بکند و این موارد تدوین شده را برای اجرا به بخش خصوصی بدهد. قطعاً در اینجا می‌طلبند که دولت یک ناظر بسیار قوی در برنامه‌های اقتصادی باشد.

بنابراین، پیشنهاد من این است که در برنامه پنجساله دوم شعار خصوصی‌سازی را به مرحله قطعی و عملی برسانیم و در پایان برنامه دوم نهادی به عنوان شرکت دولتی نداشته باشیم. بخش عمده‌ای از زیانهای امروز ما ناشی از سوء مدیریت شرکت‌های دولتی است. مورد دیگر این است که دولت در برنامه ۵ ساله دوم حرکتها را به سمتی سوق دهد که از منابع موجود استفاده بهینه داشته باشیم. قطعاً منابعی چون نفت، متعلق به همه نسلهاست. بنابراین، ما برای نسلهای آینده مملکت باید روی این منابع سرمایه‌گذاری کنیم. در غیر این صورت به نسلهای آتی ظلم کرده‌ایم. من فکر می‌کنم که به حمدالله این فکر در ذهن کارگزاران نظام ما شکل گرفته و می‌بینیم که حرکت به این سمت وجود دارد. ولی بسیار بسیار آهسته و کند! باید به این قضیه شتاب دهیم تا فردا خدای نکرده از سوی نسلهای آینده مورد سرزنش قرار نگیریم.

بحث سومی که باید در برنامه دوم به آن اشاره کنیم تا مدنظر برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی قرار بگیرد، فرمایشات مقام معظم رهبری است. قطعاً برای رسیدن به هدفهایی که اشاره شد حذف تدریجی سوبسیدها امری ضروری است و باید به آن توجه

در برنامه دوم به نحوی عقب ماندگیهای برنامه اول را جبران کنیم. برای مثال در برنامه اول، شعار خصوصی‌سازی را مطرح کردیم و می‌بینیم که آهنگ حرکت برای رسیدن به این هدف - که هدف بسیار خوبی در سیستم اقتصادی کشور است - بسیار کند است. الان باید بررسی کنیم که چه مسائلی و مشکلاتی در این قضیه وجود داشت که مانع از رسیدن ما به هدفهای مورد نظر شد و یا آهنگ حرکت را بسیار کندتر کرد. آنچه مسلم است، دولت دیگر نمی‌تواند به عنوان بنگاه اقتصادی و یا عامل اجرایی، مطرح باشد. دولت در نظام اقتصادی باید برنامه‌ریز و ناظر باشد، نه مجری پروژه‌ها و برنامه‌های اقتصادی! در حال حاضر وضعیت اقتصادی ما به هیچ وجه منطبق با خواسته‌ها و نیازهای علمی نیست. شاید دولت به لحاظ شرایطی که بر ما حاکم بود (مثل جنگ) بسیار حجیم شده است! شرکت‌های دولتی باید به کلی در برنامه پنجساله دوم حذف شوند. به خاطر دارم که حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه فرمودند: «کارهایی را که مردم می‌توانند انجام بدهند به دست خودشان بدهید تا انجام بدهند چرا دولت انجام می‌دهد». خوب این واقعاً باید برای برنامه‌ریزان کشور یک اصل باشد تا آن چه را که بخش خصوصی می‌تواند انجام

بنابراین، سخن گفتن از درون جعبه‌ای که باز نشده، کار درستی نیست. به اعتقاد من ترکیبی از نیروهای توانمند و مؤمن بدون حب و بغض باید در عرض مدت مثلاً دوماه با کار مداوم و بشرط همکاری و اطلاع دهی همه وزارتخانه‌ها و سازمانها حتی به آنچه که در برنامه اول مقرر بوده انجام شود، بپردازند و در آستانه پایان برنامه، نگاهی دقیق به پنج سال گذشته داشته باشند تا از نتایج آن برای برنامه دوم بهره‌برداری شود.

آقای عبد خضر کامرانی معاون وزیر پست و تله‌گراف و تله‌فون: تحلیل دقیق در برآورد اقتصادی پروژه‌ها و تأمین منابع مالی با توجه به قیمت تمام شده، مشارکت بخشهای غیر دولتی با داشتن توان مالی و کارآیی مفید، استفاده از تسهیلات بانکها و سایر سازمانها، استفاده از تسهیلات خارج از کشور با رعایت صرفه و صلاح کشور. همچنین کنترل دقیق و نظارت بر اجرای اهداف کیفی و کمی برنامه، ادامه طراحی نظام اداری مناسب و آموزش مستمر مدیران و کارشناسان برای اجرای آن برنامه از جمله شیوه‌هایی است که می‌توان انتخاب نمود.

آقای صادق افشار معاون وزیر راه و ترابری: ضروری است بخش بودجه جاری از بودجه عمرانی کاملاً تفکیک شود. هم اکنون طبق برخی برآوردها حدود ۱۵ تا ۳۵

آقای نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات:

\* یکی از اصول برنامه‌ریزی، شناسایی دقیق منابع و استفاده بهینه از آنهاست.

بشود منتها به چه کیفیت؟ باید با همان خط‌مشی باشد که مقام معظم رهبری روشن کردند. ما باید طوری حرکت بکنیم که قشر آسیب‌پذیر زیر دست و پای برنامه‌ریزان له نشود. این باید به عنوان یک اصل در همه شئون برنامه‌ریزی ما چه در برنامه دوم و چه در برنامه‌های آتی - که انشاءالله نظام خواهد داشت - مدنظر قرار بگیرد.

آقای مهندس عبدالهی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: درباره این که چه شیوه‌هایی را می‌توان انتخاب نمود تا از نخستین تجربه پربار برنامه در جمهوری اسلامی ایران در برنامه دوم حداکثر بهره‌برداری صورت پذیرد، باید روی تجربه پربار بحث کرد. باید از تدوین برنامه اول تا اجرای آن را مرور کنیم. اگر این دو انجام نگیرد، معلوم نیست که از کدام تجربه برای برنامه دوم استفاده شود. به نظر من این تجزیه و تحلیل حداقل در مجلس و در کمیسیونهای تخصصی و همچنین کمیسیون برنامه و بودجه به خوبی انجام نگرفته و نقاط قوت و ضعف برنامه اول و مراحل اجرایی آن تاکنون مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار نگرفته است.

شدند، در اواخر برنامه باید زمینه‌های محاسبه تعیین منافع اجتماعی بلند مدت طرح‌ها فراهم شوند، بنابراین در پنج‌ساله دوم باید فرم‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند تا نقش هر طرح در برنامه توسعه بلندمدت روشن شود. برای احتراز از بروز بسیاری چرخه‌های معیوب، باید از سیاست قدیمی اعمال فشار برای کاهش هزینه‌های جاری در موارد غیر ضروری جداً خودداری شود و روش تشویق برای سودآوری بیشتر، ملاک عمل قرار گیرد.

آقای بیژن لطیف مدیرکل دفتر تحقیقات وزارت امور اقتصادی و دارایی: برنامه اول توسعه کشور علی‌رغم موفقیت‌هایی که در زمینه طراحی و اجرا داشت، به عنوان دومین تجربه برنامه‌ریزی در نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای ضعف‌هایی در بعد طراحی و اجرا نیز بوده است. اذعان به ضعفها، به معنای تضعیف تهیه‌کنندگان برنامه نیست، بلکه عاملی است جهت بسیج تواناییها در راستای رفع نقایص.

البته واضح است از آنجا که برنامه برای آینده تعیین می‌شود، وقوع همه اهداف آن - به دلایل خارجی و داخلی - حتمی نیست و باید توجه کرد که کاملترین برنامه‌ها نیز همواره در اجرا با مشکل روبرو هستند. اما

آقای رضا عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه:  
\* برنامه خوب باید مبتنی بر واقعیات قابل اجرا باشد.

درصد از بودجه عمرانی کشور صرف بهسازی، بازسازی و جایگزینی تجهیزات و امکانات مادی می‌شود. بدین ترتیب، باید بودجه جاری صرف امور بهره‌برداری و نگهداری (هزینه استهلاک) و بودجه عمرانی صرفاً موجب افزایش «ظرفیت» شود.

ضمناً اجرای طرح‌های عمرانی به جای آن که با هدف تامین امکانات مورد نیاز و رفع مشکلات عمومی کشور باشد باید هشیارانه در راستای یک برنامه «توسعه» همه جانبه قرار گیرد.

طبق اصول بین‌المللی پذیرفته شده «اولویت اجرایی» طرحها باید بر اساس دو معیار مناسب یعنی:

- منافع اجتماعی دراز مدت هر طرح
- نقش هر طرح در پیشبرد «برنامه توسعه بلندمدت» تعیین شوند.
- برای تدوین این برنامه - به دلیل کمبود وقت - ابتدا باید سیستمهای محاسباتی (هزینه‌ها - منافع اقتصادی) طرحها تدوین شوند. موضوع فرمهای تنظیم شده در این برنامه حاکی از آن است که پس از تک‌نرخی شدن ارز و حذف سوبسیدهای پنهان، زمینه و مقدمات تعیین قیمت تمام شده کالاها و خدمات فراهم شده است. پس از آن که هزینه‌های واقعی اجرای هر طرح تعیین

اهداف برنامه اول متناسب نبود؛ لذا در عمل برخی از اهداف برنامه اول به دلیل فوق یا به علت تغییر در شرایط جهانی نتوانست تحقق یابد. لذا اهداف در برنامه دوم باید با توجه به شرایط فعلی و نیز تخمینی از شرایط آینده، طراحی و با ضریب خطایی که برای تحولات آینده در نظر گرفته می‌شود، قابل دستیابی باشند.

ب- هنگامی که برنامه اول در سالهای اولیه اجرا، به اهداف خویش دست نیافت بایستی مسئولان امر با تشکیل کمیسیونهای تخصصی، سعی در یافتن مشکل می‌کردند و در صورت یافتن ریشه‌های مشکلات، با اجرای برنامه‌های کوتاه‌تر (مثلاً فصلی یا سالیانه) در چارچوب برنامه اصلی به حل مشکل می‌پرداختند.

ج- از کاستیهای مهم در زمینه اجرای برنامه اول، عدم وجود یک مرکز نظارتی دقیق - که با استفاده از کارشناسان خبره دقیقاً اجرای برنامه را پیگیری کند - بود. می‌توان با ایجاد چنین مرکزی، بسیاری از مشکلات اجرایی احتمالی را در برنامه دوم بر طرف کرد.

برای افزایش ضریب اطمینان کارایی برنامه و تحقق مطلوب اهداف، می‌توان نکاتی را در نظر گرفت:

برای تدوین و اجرای یک برنامه مدون و کامل در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیازمند شرایط و امکاناتی هستیم که اهم آنها به شرح زیر است:

- ۱- وجود یک سازمان قوی برای برنامه‌ریزی
  - ۲- داشتن اطلاعات آماری کافی و دقیق
  - ۳- تعیین اهداف برنامه با توجه به نیازهای اصلی اقتصاد ملی
  - ۴- تعیین اولویتها از میان اهداف
  - ۵- بسیج منابع داخلی و خارجی
  - ۶- حفظ تعادل در عواید و مخارج برنامه
  - ۷- داشتن یک تشکیلات اداری کارآمد و عاری از فساد
  - ۸- داشتن یک الگوی مصرف مناسب
  - ۹- ایجاد تعاون ملی
- برنامه اول در بعد عملی، تجاربی گرانها برای به کارگیری در برنامه دوم به جای گذاشت که مهمترین آنها عبارتند از:
- الف- امکانات موجود در کشور با همه

□ برای ارائه تصویر صحیح از روند حرکت نظام جمهوری اسلامی، برنامه نیازمند یک مدل موفق است، با توجه به ضعفهای ثوریک، برای تدارک مدلهای موفق چه در کلان و چه در بخشها به نظر شما تا چه اندازه می‌توان از تدارک یک برنامه مطلوب مطمئن بود؟

برنامه دوم دسترسی پیدا کرده‌ایم. به نظر من هیچ راه درستی برای یافتن یک مدل موفق غیر از این که مجدداً و بسیار دقیق برنامه اول را بررسی کنیم، وجود ندارد. ما باید از برنامه اول، مدل متناسبی برای برنامه دوم درست کنیم.

آقای نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات: برنامه مطلوب برنامه‌ای است که بر اساس نیازهای واقعی نظام برنامه‌ریزی بشود. باید ببینیم که در نظام اقتصادی ما چه نوع تولیداتی ارزش افزوده بالایی دارند و این ارزش افزوده در توان اقتصادی کشور ما چقدر مؤثر است. اگر ما تولیداتی داشته باشیم که نه تنها ارزش افزوده ندارند، بلکه منابع ما را هم به نوعی کاهش دهند، قطعاً برای کشور اسلامی ما نامطلوب خواهد بود. ما دارای منابعی هستیم؛ اگر بتوانیم از این منابع در داخل کشور بهره‌برداری اقتصادی بکنیم و تولیداتی داشته باشیم که ارزش افزوده قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، به اقتصاد مملکت کمک کرده‌ایم. در غیراین صورت اگر منابع را به کشورهای خارجی بدهیم که آنها برایمان تولید بکنند و بعد به چند برابر قیمت به ما برگردانند، در واقع منابع را به هدر داده‌ایم و به ضرر اقتصاد مملکت کار کرده‌ایم. اگر ما دست به توسعه و یا ایجاد کارخانه‌ای بزنیم که منابع اولیه آن را نداریم و مجبور شویم آن منابع را از کشورهای خارجی وارد کنیم، دستخوش نوسانات اقتصادی آن کشورها خواهیم بود. ما باید

تصویر درستی از روند حرکت جمهوری اسلامی ایران در برنامه ارائه بدهیم نیاز به یک مدل و یا نمونه موفق از یک برنامه داریم. این مدل و نمونه را باید در کجا بیابیم؟ اگر به سراغ مدلها، نمونه‌ها و الگوهایی که در کشورهای دیگر عمل شده است، برویم و عین آن را تقلید کنیم، مسلماً درست نخواهد بود! برنامه‌ای که در کشوری طراحی و اجرا می‌شود، معلوم نیست برای کشور دیگری درست و صحیح باشد. البته می‌توان با مطالعه و بررسی از اصول و نظام برنامه‌ریزی که در کشورهای دیگر وجود دارد، به نحو مطلوب استفاده کنیم. یعنی بدون این که بخواهیم برنامه کشورهای دیگر را به عنوان مدل خود قرار بدهیم، نکات قابل استفاده و صحیح را در تدوین برنامه خود مدنظر قرار دهیم.

به نظر من بالاترین و بهترین مدل مناسب برای تدوین برنامه جدید و هماهنگ با نظام جمهوری اسلامی ایران برنامه اول توسعه است. (منتها برنامه‌ای مطالعه شده، بررسی شده، در واقع پالایش شده) مسلماً ما می‌توانیم با تقویت نقاط قوت برنامه اول، نقطه ضعفها را کنار بگذاریم و اشکالات را در برنامه تصحیح بکنیم؛ آن وقت به مدل بسیار خوبی برای

آقای کامرانی، معاون طرح و برنامه وزارت پست و تلگراف:  
\* داشتن سیستمهای نظارت و کنترل صحیح بر روند اجرا، از ویژگیهای لازم برای یک برنامه خوب است.

آقای عبد خضر کامرانی معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن: باتوجه به تجربه اجرای برنامه اول و تجربیات حاصل از تشکیل جلسات شورای برنامه ریزی، سازمان برنامه و بودجه و هیأت دولت، امیدواری کافی نسبت به تدارک یک برنامه مطلوب وجود دارد.

آقای صادق افشار: مدل برنامه در حدود توان برنامه ریزی کشورهای در حال توسعه (الگوگیری از کشورهایی با رشد سریع) نسبتاً خوب تعیین شده است. مشکل اساسی این گونه برنامه ها پس از تدوین و تصویب آن، مسائل «هماهنگی» بخشها با یکدیگر «نظارت» بر پیشرفت فیزیکی و مالی طرحها مطابق بازمانبندی و در قالب بودجه پیش بینی شده و بالاخره «مدیریت» صحیح اجرایی می باشد. محدود شدن نظام هماهنگی بخشها به شوراها عالی و سیستم نظارت به سازمان برنامه و بودجه (آن هم در بعد مالی) دستیابی به تمامی اهداف برنامه را غیر ممکن می سازد. مضاف بر آن، ضعف اطلاعات مدیریت و جابه جایی نسبتاً سریع مدیران رده میانی در بین انواع مدیریتها (عمرانی، تولیدی، اداری،

توسعه و رشد را به جیتی سوق بدهیم که خودمان منابع آن را داشته باشیم و مطمئن شویم که می توانیم از منابع داخلی استفاده کنیم. این حرکت می تواند یک حرکت اطمینان بخشی برای تولید ما باشد و از طرفی وقتی ما بتوانیم اساس تولید را منابع داخلی قرار دهیم، در واقع منابع ما ایجاد ارزش افزوده می کنند و این ارزش افزوده می تواند به اقتصاد ما رونق ببخشد.

آقای عبدالهی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: برنامه مانند یک پالایشگاه یا نیروگاه نیست که ما دقیقاً ماکت و مدل آن را طراحی کنیم. مدل سازی برای یک برنامه کار بسیار پیچیده ای است که با صدها «داده» سروکار دارد که هر یک از آنها را که تغییر بدهیم بقیه هم تغییر می کنند. در همانندسازی یا طرح یک مدل، باید بین مجموعه اجزا سازگاری وجود داشته باشد؛ اگر بدون رعایت شرط سازگاری، یکی از اعضای مدل کوچکتر و یکی بزرگتر شد ترکیب و شکل این پیکر به شکل زشت و زنده ای در می آید. به اعتقاد من در برنامه



کارشناسان خارجی به دقت، وضعیت و شرایط کشور را مطالعه کرده، و بر اساس درک صحیح از واقعیت‌های داخلی و خارجی مدلی را ارائه کرده‌اند که پایه برنامه آنها قرار گرفته است، برنامه موفق را در سطح کشورشان اجرا کرده‌اند.

اما در کشورهایی که تنها بر اساس تقلید از مدل‌های دیگران برنامه‌ای طراحی و اجرا شده است، به دلیل عدم مشابهت این مدل‌ها، با شرایط کشورشان، این مدل‌ها با شکست روبرو شده‌اند و این تصور که مدل‌ها در خود ضعف دارند، شاید از اینجا ناشی شود.

در فرصت باقیمانده، از آنجا که برنامه طراحی شده و چارچوب آن آماده می‌باشد، به نظر می‌رسد که اگر ارزشیابی برنامه، با استفاده از کارشناسان مجرب و بی‌طرف انجام شود، در برنامه دوم کوله باری از تجربیات گران‌بها خواهیم داشت. در بلند مدت، باید از کارشناسان خبره دعوت شود که تا به دقت وضعیت کشور را بررسی کنند، و بر اساس یافته‌های خویش، مدلی متناسب با شرایط موجود طراحی کنند، و آن مدل پایه اصلی در برنامه بعدی باشد.

خدماتی و ...) که ارزش تجربه مدیریت را تباه می‌سازد، علت اصلی کم توجهی به مفاد برنامه‌های پنجساله است. برای احتراز از این مشکل اولاً باید مدیریت‌های غیر سیاسی اکید بر اساس لیاقت‌ها انتخاب و ارزیابی شوند و در ثانی مدیران رده میانی در طول خدمت خود حتی‌المقدور در محدوده یک نوع مدیریت ابقا گردند.

آقای بیژن لطیف مدیرکل دفتر تحقیقات وزارت امور اقتصاد و دارایی: این جمله که برنامه نیازمند مدل موفق برای ارائه تصویر صحیح از روند حرکت است، جمله صحیحی است، اما در این مورد که مدل‌های موجود، در کلان و در بخش‌ها، دارای ضعف تئوریک هستند باید گفت که این مدل‌ها برپایه پیش فرضهایی بنا شده‌اند، که به صورت ایجاد شرایط مناسب و عملکرد مطابق الگو، می‌توان به حصول اهداف پیش‌بینی شده امیدوار بود.

در بررسی تجربی، از کاربرد اولین برنامه در کشورهای درحال توسعه تاکنون سال‌های بسیاری می‌گذرد، اما بسیاری از برنامه‌ها توسط کارشناسان خارجی، یا گروه‌هایی که برای سازمان ملل فعالیت دارند، بنا شده‌اند. در کشورهایی که کارشناسان خودشان، یا

آقای صادق افشار، معاون وزیر راه و ترابری:

\* باید یک مدل کلان، طراحی و اهداف راهبردی و سیاست‌های کلیدی برنامه بلندمدت را مشخص نمود.



□ موانع اطلاعاتی و ضعفهای انفورماتیک تا چه اندازه می‌تواند در ایجاد یک برنامه موفق ایجاد اشکال نماید؟ و برنامه دوم تا چه اندازه می‌تواند از این موانع تأثیرپذیری داشته باشد؟ و برای این که این آفتهای اطلاعاتی و ضعفهای انفورماتیک را به حداقل برسانیم چه پیشنهادی دارید؟

آقای موحدی ساوجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی: همان طور که در پاسخ به سؤال اول عرض کردم، یکی از اصول برنامه‌ریزی که باید مورد توجه قرار بگیرد، مسأله اطلاعات است، هم اطلاعات صحیح و هم اطلاعات فراگیر. برای آگاهی از درآمدهای کل کشور در برنامه دوم و هزینه‌های ضروری و همچنین آگاهی از پیشرفتهای علمی، صنعتی، تحقیقی، کشاورزی و خدماتی و آشنایی با میزان حمایتها و همکاریهای مردمی، به اطلاعات صحیح نیاز داریم. نبود اطلاعات صحیح یا عدم تمرکز آن، هر دو اشکال و عیب است. به نظر من ضعفهای اطلاعاتی کشور معلول چند چیز است: یکی این که هنوز در این مورد فرهنگ صحیحی بر مجریان مملکت حاکم نیست. به این ترتیب که اگر فرد مسئولی درباره دستگاهش اطلاعاتی ندارد، بگوید که من ندارم و اگر اطلاعاتی دارد، اطلاعاتش صادقانه باشد. یعنی اطلاعات سطحی و اطلاعاتی که مبتنی بر آمار دقیق نیست، بی‌فایده است. این است که متأسفانه گاهی شاهدیم که برخی دستگاهها

اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که چه بسا خودشان هم به صحت آن یقین ندارند. نکته دوم این که گاهی برخی دستگاهها برای این که بودجه و یا اعتبار و امکانات بیشتری بگیرند، اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که با واقعیات چندان مطابقت نمی‌کند. مثلاً می‌گویند شما در برنامه دوم چه کار می‌خواهید بکنید؟ بخش نیرو می‌گوید که من طرحها و پروژه‌هایی دارم. این کارها را می‌خواهم انجام دهم. یا بخش صنعت می‌گوید که من این کار را می‌کنم. وقتی این اطلاعات صحیح است که مبتنی بر مطالعات دقیق و صحیح و داشتن پروژه‌ها و طرحهای حساب شده و قابل اجرا باشد. بنابراین، همه اطلاعات در دستگاهی مثل سازمان برنامه و بودجه جمع می‌شود، اما این اطلاعات، اطلاعاتی نیست که صددرصد با واقعیات مطابقت داشته باشد. و طبعاً نتیجه اجرای برنامه‌ای که مبتنی بر چنین اطلاعاتی است، مطلوب نخواهد بود. اصولاً باید در کشورمان یک مرکز و یا بانک اطلاعاتی متمرکز داشته باشیم. در حال حاضر اطلاعاتی که از مراجع مختلف

تاحدودی با کمبود اطلاعات و آمار دقیق مواجهیم. گذشته از آن برخی از آمارهایی که از سوی برخی دستگاهها برای موفق نشان دادن فعالیتها ارائه می شود، نیاز به وقت و ارزیابی بیشتری دارد. لذا این قسمت هم بر مشکلات می افزاید. برای به حداقل رساندن این نقیصه، باید، با دستگاههایی که برای برتر نشان دادن خود اعداد و ارقام را بزرگتر از میزان واقعی خود ارائه می کنند، به شدت برخورد شود.

در تعریف مدیریتهای قوی باید بیشترین امتیاز به عنصر همکاری و همراهی با دیگر بخشها داده شود. اگر دیدگاهها به این شکل اصلاح شود و کمترین امتیاز را به تکررها و خودمحورها بدهیم، شرایط خوبی برای هماهنگی و همکاری به وجود خواهد آمد.

## کتابخانه فیضیه قم

آقای عبدخضر کامرانی معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن: عدم وجود یک بانک اطلاعاتی مناسب نه تنها موجب انجام کار موازی بخشها در یک فعالیت واحد و عدم استفاده صحیح از منابع می شود، بلکه باعث سرمایه گذاری مشابه و افزایش هزینه ها نیز می گردد. لذا تهیه یک برنامه موفق و اجرای صحیح آن بدون وجود اطلاعات و آمار صحیح امکان پذیر نمی شود و برنامه دوم نیز بی تأثیر از این موانع نیست. ضرورت دارد با ایجاد بانکهای اطلاعاتی (تحت عنوان شرکت Data) و با استفاده از بانکهای اطلاعاتی، مشکلات را به حداقل برسانیم. ضمناً بهتر است برای

گرفته می شود، آمارهای منطقی، فصلی و جزئی است. و گاهی نه تنها با همدیگر همخوانی و هماهنگی ندارند، بلکه در واقع با یکدیگر تضاد هم دارند.

آقای نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات: بحث اطلاع از وضعیت موجود بسیار حائز اهمیت است. برنامه ریزی بدون آمار و اطلاعات لازم، قطعاً موفق نخواهد بود.

برنامه ریزان، مسئولان و نمایندگان برای تدوین و تصویب برنامه دوم می بایستی اولاً از ضعفهای موجود در برنامه اول آگاه باشند و نیازهای واقعی کشور را نیز به صورت یک سیستم آماری و اطلاعاتی در اختیار داشته باشند تا بر آن مبنای برنامه ریزی نمایند. وجود اطلاعات صحیح، از ضروریات است و نبود آن می تواند آفات و لطمات بسیاری به پیکر اقتصاد مملکت وارد سازد.

آقای عبدالهی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: آنچه مسلم است آنکه، بدون آمار و اطلاعات - که از ابزارهای اولیه یک برنامه است - سخن از برنامه و برنامه ریزی بی مورد است. فکر می کنم در برنامه دوم

آقای بیژن لطیف مدیر کل دفتر تحقیقات وزارت اموراتصادی و دارایی:

\* نظام برنامه ریزی کنونی در زمینه انتخاب وسایل و ابزارها جهت رسیدن به اهداف، دچار مشکل شده است.

همیاری نزدیک میان تهیه کنندگان برنامه و مرکز آمار ضروری است. آمار باید به شکل مناسبی برای برنامه ریزان تنظیم شود و گردآوری و جدول بندی داده ها برای برنامه ریزی، در اولویت قرار گیرد تا به طور منظم آخرین داده های آماری بررسی شود.

در حال حاضر مرکز آمار در ایران از سازمان دهی مناسب و امکانات کافی برای تامین آمار مناسب و بهینه برای تهیه و نظارت مستمر بر عملکرد برنامه برخوردار نیست و برای تامین بهتر اهداف برنامه دوم شایسته است به این مرکز توجه بیشتری شود.

در تدوین برنامه دوم سه فرض مهم زیر در نظر گرفته شده است:

۱- عدم بروز حوادث غیر مترقبه نظیر جنگ، تحریمهای اقتصادی و تجاری، یا هر بحران بین المللی دیگری که محیط اقتصادی را به نحوی چشمگیر تغییر دهد. طبعاً در صورت بروز چنین شرایطی تدوین و اجرای برنامه های اضطراری ضروری است.

۲- میزان تصفیه داخلی، صادرات و قیمت نفت مطابق جدولی در نظر گرفته شده است.

۳- در برنامه فرض شده است که تراز حساب جاری معادل هفت میلیارد دلار مازاد داشته باشد. از آنجا که عمده درآمد ارزی ما از طریق صدور نفت تأمین می شود و قیمت نفت نیز تابعی از

شناخت مدل های موفق بر مبنای تصویر کلان برنامه، روابط بخشها با یکدیگر را ترسیم کنیم و با شبیه سازی، برنامه را قبل از اجرا آزمایش کنیم.

آقای صادق انصاری معاون وزیر راه و ترابری: اصولاً با توجه به نسبت سهم اطلاعات و آمار موجود در سیستم مطالعات، می توان امیدوار بود که قدرت تصمیم گیری و حق انتخاب افزایش یابد. در حال حاضر نظام برنامه ریزی بیشتر بر «شم کارشناسی» استوار است. برای رفع این آفت نیز تقویت بنیه نظامهای آمار و مطالعات در کلیه بخشهای اقتصادی کشور، مراکز آموزشی و تحقیقاتی ضروری به نظر می رسد.

آقای بیژن لطیف مدیر کل تحقیقات وزارت امور اقتصادی و دارایی: تدارک برنامه های توسعه، تا حد زیادی به آمار وابسته است، و

می‌گذارد. باید توجه کرد که به دلیل شدت رشد تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای و تشکیل بلوک‌های تجاری متعدد در آینده نزدیک، مبادلات تجاری و گسترش بازارهای خارجی ما با مشکل بیشتری روبرو خواهد بود.

بنابر این، در برنامه دوم در جهت کاهش بعضی از مشکلات فوق باید، بر تامین نیازهای بخشهای مختلف داخلی از منابع داخلی تکیه کرد.

سپری در آرا

عوامل متفاوت در بازارهای جهانی است، لذا هرگونه تغییر در شرایط جهانی، که بگونه‌ای بر روی قیمت نفت اثرگذارد، بر منابع ارزی ما و در نتیجه به ثمر رسیدن اهداف برنامه تأثیر

□ تأثیر متقابل یک برنامه و روابط خارجی را در چه حد می‌دانید و در این خصوص چه نظری در برنامه دوم دارید؟

که در این زمینه از کجا باید شروع کنند و تا کجا پیش بروند. روابط خارجی ما در تمام سطوح باید هماهنگ عمل کند. تأثیر متقابلی که برنامه و روابط خارجی بر هم دارند، این است که اولاً برنامه حدود و ابعاد و میدان توسعه سیاستهای خارجی ما را تعیین می‌کند و از طرف دیگر سیاست

آقای موحدی ساوجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی: به طور مسلم روابط خارجی ما بر اساس برنامه تنظیم می‌شود. بدون تردید اگر بخواهیم روابط خارجی خودمان را در بخشهای سیاسی، اقتصادی صنعتی و تکنولوژیکی و فرهنگی درست تنظیم کنیم، باید برنامه داشته باشیم. آن هم برنامه‌ای صحیح و دقیق و کامل. اگر چنانچه روابط خارجی ما بدون برنامه باشد حرکت‌های کور و مقطعی خواهد داشت و به نتایج بلند مدت نخواهد رسید. باید با استفاده از تجربه برنامه اول و رفع نقایص آن برای سیاست خارجی خود سال به سال برنامه‌ریزی بکنیم و امکانات لازم را فراهم کنیم تا دست‌اندرکاران روابط خارجی بدانند

آقای لطیف مدیرکل دفتر تحقیقات وزارت اموراتصادی و دارایی:  
\* عدم وجود یک مرکز نظارتی دقیق برای پیگیری چگونگی اجرای برنامه اول، از کاستیهای برنامه اول بود که نباید در برنامه دوم تکرار شود.

در تحکیم استقلال و عدم وابستگی (بخصوص اقتصادی) مؤثر باشد.

در صورتی که تنظیم بخشی از برنامه بر اساس منابع خارجی باشد، لازم است انتخاب کشورهای اعتبار دهنده و نوع طرح و پروژه بگونه‌ای باشد که بازگشت سرمایه آن سریع بوده و امکان فعال شدن پروژه‌های مرتبط با آن در داخل کشور میسر گردد. ضمناً این امکان وجود داشته باشد که در صورت عدم تحقق آن، اساس برنامه دچار وقفه نگردد.

آقای صادق افشار معاون وزیر راه و ترابری: تفکیک کامل روابط داخلی از خارج (بویژه در امور اقتصادی) کاریست مشکل و از آنجا که امر برنامه‌ریزی نیز برای توسعه «ظرفیتها» و «روابط» طرح ریزی شده و به مورد اجرا درمی‌آید به طریق اولی تفکیک برنامه از روابط خارجی مشکل‌تر خواهد بود.

از طرفی هر چه روابط خارجی یک کشور از ثبات بیشتری برخوردار باشد، تنشهای برنامه آن کمتر خواهد بود. لیکن موقعیت نظام جمهوری اسلامی به تبع اصول و ارزشهای حاکم بر آن، یک موقعیت استثنایی و معارض با منافع آمریکا و دیگر کشورهای سلطه‌گر است.

در حال حاضر اگر بتوان روابط خارجی کشور با کشورهای توسعه یافته غیر سلطه‌جو را تعدیل و تثبیت نموده و

خارجی ما نیز درموردی که در داخل به انتقال دانش و تکنولوژی برای اجرای دقیق برنامه نیاز است، کمک شایانی می‌کند.

آقای نبوتی عضو کمیسیون دیوان محاسبات: برنامه ریزان ما قطعاً، اصول سیاستهای کلی روابط خارجی را در نظر می‌گیرند و این روابط می‌تواند در شکل‌گیری برنامه‌ها مؤثر باشد.

آقای عبدالهی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: تدوین یک برنامه واقعی برای رشد، رابطه مستقیمی با استراتژی امنیت ملی و تنظیم روابط خارجی دارد. همانطور که برقراری امنیت در مرزها ضرورت دارد، داشتن رابطه اقتصادی با سایر کشورها نیز برای ما ضروری است. چراکه ما برای صادرات نیازمند بازارهایی هستیم که در اختیار کشورهای پیشرفته است. بنابراین، ارتباط منطقی و برپایه احترام متقابل با سایر کشورها از بدیهیات اجرای یک برنامه است و بدون رعایت آن با مشکل مواجه خواهیم شد.

آقای عبد خضر کامرانی معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن: یک برنامه خوب می‌تواند تعهدات خارجی یک جامعه را به موقع تامین و سرمایه‌های خارجی را بدون دخالت در امور داخلی، جذب نماید. در نتیجه سطح کمی و کیفی تولید را بالا برده و

دفع کرده و بیشتر بر منابع و امکانات داخلی متکی باشیم، آسیب پذیری برنامه‌ها کمتر خواهد بود. بدیهی است در این راستا باید با توجه به محدودیتهای ارزی کشور و با اتکاء به سرمایه‌ها و منابع داخلی، برنامه‌ریزی شود که این خود به خود کاهش تأثیر روابط خارجی در برنامه‌ها را به دنبال دارد.

سیری در آرا

دسیسه‌های تبلیغاتی امریکا و اسرائیل را

□ آیا اصلاح قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ را به مثابه امکانی برای توسعه برنامه‌ریزی و حرکت برنامه مدارانه ضروری می‌دانید؟

جمهوری اسلامی ایران قانون برنامه‌ریزی و قانون بودجه داشته باشیم که آن نواقص گذشته را نداشته باشد.

آقای صادق افشار معاون وزیر راه و ترابری: تا زمانی که زیر ساختار و نهادهای ضروری برای برنامه‌ریزی بلند مدت فراهم نگردد، اصلاح قانون چندان اثر بخش نخواهد بود. اما تأکید می‌شود حرکت برنامه‌مدارانه مستلزم کنترل و نظارت کافی بر اجرای برنامه است.

□ □ □

آقای موحدی ساوجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی: من قطعاً اصلاح قانون برنامه و بودجه سال ۵۱، را لازم می‌دانم؛ چراکه قانونی که در سال ۵۱ یعنی ۶ سال قبل از پیروزی انقلاب تصویب شده ممکن است دارای محتوای خوبی باشد و یا بخشی از مواد آن قابل قبول باشد، اما در کل نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی ما باشد. لازم بود که دولت، این قانون را بررسی، تجدید نظر و اصلاح می‌کرد و به صورتی کامل به مجلس می‌داد. کمیسیون برنامه و بودجه هم در این چهار دوره باید این کار را می‌کرد. آنچه مسلم است آنکه، آن قانون برنامه و بودجه‌ای که در آن زمان نوشته شده با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن زمان بوده و سیاستها و اهداف آن نظام مسلماً با سیاستها و اهداف نظام جمهوری اسلامی تفاوت دارد. بنابراین، ما باید متناسب با اهداف و سیاستهای نظام